

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

توافق صلح غزه به مویی بند است

توافق آتش‌بس در غزه به مویی بند است، در شرایطی که هم اسرائیل و هم حماس با اتهام نقض مفاد توافق مواجه هستند. اسرائیل ادعا می‌کند حماس در بازگرداندن گروگان‌های درگذشته‌کُند عمل می‌کند. حماس ادعا می‌کند بناً توجه به سختی‌های یافتن بدن‌هایی که ممکن است زیر آوار باشند یا در عمق زیاد، در تونل‌های بمباران شده پنهان باشند، دارد با حداکثر سرعتی که می‌تواند عمل می‌کند؛ اما این مانع از این نشده که اسرائیل تهدید کند «نبرد را از سر بگیرد و برای رسیدن به شکست کامل حماس اقدام کند.» اسرائیل اعلام کرده پایبندی خود به آتش‌بس را کاهش خواهد داد، در آنچه به گفته او، واکنشی به نقض آتش‌بس از سوی حماس است. شاید تأثیرگذارتر از همه اینکه اسرائیل حالا میزان کمکی را که اجازه می‌دهد وارد نوار غزه شود، به‌شدت کاهش داده است و تعداد کل محموله‌های کامیون‌ها در روز را از ۶۰۰ به ۳۰۰ رسانده. ۶۰۰ میزانی است که مقامات گفته‌اند برای کمک به تسکین فحطلی لازم است. اسرائیل ادعا می‌کند این تعداد کمتر کامیون‌ها، تنها کمک‌های بشردوستانه را منتقل خواهند کرد. الجزیره روز پنج‌شنبه گزارش داد که بسیاری از محموله‌ها، شامل محصولات تجاری بوده‌اند که اکثریت قاطعی از ساکنان غزه، از پس قیمت‌های آن‌ها بر نمی‌آیند. در همین حال، اسرائیل به حملات درون غزه ادامه داده است و در روزهای اول، لاقلاً ۹ فلسطینی را با ادعای اینکه زیادی به تأسیسات نظامی اسرائیل در نوار غزه نزدیک شده‌اند، کشته‌است. مقامات ایالات متحده سعی کرده‌اند، این چالش‌های اولیه را کوچک نشان دهند. یکی از مشاوران ارشد رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، به خبرنگاران گفته حماس به توافق پایبند مانده است و بازگشت گروگان‌های زنده را به عنوان شاهد ماجرا مورد اشاره قرار داده است؛ اما هنوز معلوم نیست آیا ایالات متحده خواهد توانست فشار کافی بر هر دو طرف نگه‌دارد تا صلحی ماندگار را تحمیل کند.

مسئله دیگری که موضوع را بیشتر پیچیده می‌کند، تصاویر سرکوب‌باند‌های مسلح توسط حماس است؛ باند‌هایی که از زمان آغاز جنگ، گاهی با کمک آشکار اسرائیل، قدرت گرفته‌اند. در روزهای اخیر، ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است که نشان‌دهنده اعدام‌های میدانی اعضای باندها توسط حماس هستند و این برای رهبران غربی ناخوشایند بوده است. این تصاویر، یکی از ضعف‌های کلیدی توافق را هم بر جرسته می‌کنند: این توافق، عقب‌نشینی نسبی اسرائیل را کلید زد و هم‌زمان هیچ شکلی از حکمرانی موفق یا نیروی حافظ صلحی را برای مدیریت دوره انتقال بنانه‌ها، ترامپ حالا در تلاش برای پرکردن این شکاف است، با جذب حافظان بالقوه صلح. گزارش‌ها می‌گویند، اندونزی، آذربایجان و پاکستان علاقه‌مند به ارسال نیرو جهت حمایت از این تلاش‌ها هستند؛ اما حتی با وجود عملیات حفاظت از صلح، سؤالات قابل‌توجهی در باره نحوه حفاظت از این توافق، همچنان باقی‌اند. حماس توافق کرده سلاح‌های سنگین خود را تحویل دهد، اما تنها به نهاد حکمرانی عرب یا فلسطینی. ایده تحویل سلاح‌های سبک خود را نیز نپذیرفته است. این ممکن است به مسئله ناپذیرفتنی جدی و مانعی در گفت‌وگوها برای اسرائیل تبدیل شود.

البته همه‌اش هم خبر بد نیست. مصر روز سه‌شنبه اعلام کرد همه طرف‌ها به توافقی بر سر هیئت ۱۵ نفره از تکنوکرات‌های فلسطینی رسیده است که می‌توانند دوره انتقالی پس از جنگ در غزه را مدیریت کنند. وزیر خارجه مصر هم می‌گوید حماس «متعهد» است که «هیچ نقشی» در دوره انتقالی نداشته باشد؛ اما نام‌های این تکنوکرات‌ها هنوز اعلام نشده و مسیر تحویل قدرت به آن‌ها، در بهترین حالت پر از چالش است.

سؤال اصلی حالا این است: آیا ترامپ حاضر است فشار را بر اسرائیل حفظ کند تا او را مجبور به پذیرش صلحی ماندگار کند؟ این وضعیتی خواهد بود که بسیار محتمل است با حفظ میزانی از قدرت از سوی حماس در غزه پایان‌یابد. یک علامت‌نگران کننده در این زمینه، سه‌شنبه دیده شد، وقتی ترامپ تهدید کرد اگر حماس در تحویل همه سلاح‌ها کوتاهی کند، جنگ را از نو آغاز خواهد کرد. به خبرنگاران گفت: «خلع سلاح می‌کنند یا خلع سلاح‌شان می‌کنیم. فهمیدی؟»



نیاز به راهبرد دیپلماتیک در قبال ایران

برای پیشبرد برنامه صلح غزه، واشنگتن باید به اختلاف با تهران رسیدگی کند

توافق‌ها در بلندمدت حفظ‌کردنی‌اند یا نه. اما برای رسیدن به موفقیتی ماندگارتر، دولت ترامپ باید گستره تماس‌های دیپلماتیکش را بیشتر کند. نمی‌تواند تلاش‌هایش را فقط به مسیر اسرائیلی فلسطینی محدود کند. بن‌بست تقابل با ایران که از زمان جنگ ۱۲ روزه ژوئن را کد رها شده، حالا بر سر هر تلاشی جهت تحصیل صلحی گسترده‌تر در منطقه سایه می‌افکند. تصمیم فرانسه، آلمان و بریتانیا، معروف

انرژی سیاسی روی این بحران، تعیین‌کننده بوده؛ به‌خصوص در تأمین توافقی برای آزادی گروگان‌ها و زندانی‌ها و رساندن دو طرف به برداشتن گام اول به سمت آتش‌بس. با این حال، این فقط آغاز ماجراست. مسائلی کلیدی هنوز حل‌نشده مانده‌اند، مانند حکمرانی در غزه، مسئله خلع سلاح حماس و در نهایت، مسیری به سمت تشکیل کشور فلسطین. این‌ها تعیین خواهند کرد آیا این



صنم وکیل

مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در چتم هاوس

دست‌آورد رئیس‌جمهور ترامپ، در اجرای مرحله اول برنامه ۲۰ماده‌ای‌اش، نمود گام اولی مهم در رساندن جنگ در غزه به پایان است. توانایی او در متمرکزکردن

اسرائیل باید از توافق هسته‌ای با ایران حمایت کند

مواد غنی‌شده‌ای که اکنون در ایران هستند، تا سطح ۹۰ درصد غنی‌سازی کند، حتی بدون اینکه سایت‌های نطنز و فردرو دوباره فعال کند. تهران راه برای تضمین اینکه ایران از همان مواد غنی‌شده استفاده نخواهد کرد، بازگرداندن نظارت معنادار بر سایت‌های هسته‌ای توسط بازرسان آژانس است که به واسطه جنگ ایران را ترک کردند و حالا این سایت‌ها بدون نظارت هستند. بدون توافق و بدون حضور میدانی بازرسان، اسرائیل و باقی دنیا تنها به اطلاعاتی تکیه دارند که از ایران جمع‌آوری می‌شود و توضیح می‌دهد ایران در آن سایت‌ها مشغول چه کاری است؛ با این حال، معلوم نیست چنین اطلاعاتی در کار باشد. حتی اگر باشد و برسد هم ممکن است در معرض تفاسیر متفاوت قرار گیرد؛ از این رو، حضور بازرسان در محل اجازه درکی بهتر از آنچه در برنامه هسته‌ای ایران رخ می‌دهد خواهد داد. مشکل این است که بدون توافق هسته‌ای که فعلاً به هیچ وجه در دیدرس نیست، ایران با بازگشت این بازرسان موافقت نخواهد کرد و انکار صرفاً به محتوای اطلاعاتی خواهد بود، با همه پیچیدگی‌هایی که با چنین اتکالی صرفی خواهد آمد. اما مواد غنی‌شده در ایران، تنها مسئله‌ای نیستند که دستاوردهای اسرائیل در این جنگ را تهدید می‌کنند. ایران اخیراً شروع به بازسازی گسترده ظرفیت‌های موشکی زمین به زمین خود کرده است؛ از جمله با مجموعه‌ای آزمایشات که ظاهراً با هدف بهبود ظرفیت پرتاب ایران در مواجهه با جنگی دوباره با اسرائیل انجام شده‌اند. هم‌زمان، تهران با جدیت مشغول احیای سیستم‌های دفاع هوایی خود است که در جنگ آسیب دید و با این دغدغه انجام می‌شود که جنگ بین اسرائیل و ایران به زودی دوباره به راه خواهد افتاد.

این حرکات، آنچه را اسرائیل در جنگ حاصل کرد، تضعیف می‌کند و فراتر از هر چیز، نشانه ناتوانی در ممانعت از این هستند که ایران ظرفیت‌های متعارف خود را باز بسازد.

مسئله اختلافات داخلی در میان مقامات ایران هم هست، بین محافظه‌کارها و میانه‌روها. شایان توجه است که پس از جنگ، بحث داخلی بر سر این تشدید شد که در موضوع گفت‌وگو با غرب، چه سیاستی باید در پیش گرفت؛ البته مقامات ایران بر سر این خواسته که غنی‌سازی در خاک ایران باید ادامه یابد متحد هستند و همچنان حاضر نیستند برنامه موشکی را محدود کنند، اما عناصر میانه‌روتر، از قبیل رئیس‌جمهور مسعود

و هر تلاشی برای بازسازی برنامه هسته‌ای‌اش منجر به حمله‌ای دوباره از سوی اسرائیل خواهد شد. در نتیجه این فرض، رهبران اسرائیل سیاستی را در پیش گرفتند که بر اساس آن، با هر گونه توافق دیپلماتیک در آینده با تهران مخالفت می‌کنند. در سایه این سیاست، اسرائیل فشار قابل‌توجهی بر ترویکای اروپایی، یعنی بریتانیا، فرانسه و آلمان آورد تا سازوکار اسنپ‌بک را فعال کنند، به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا فشار آورد تا هر گونه ابتکار دیپلماتیک در رابطه با ایران را پس بزند و از همه مهم‌تر، به تهدید ایران ادامه داد. به عبارت دیگر، همان سیاستی که اسرائیل پیش از جنگ پیش گرفته بود، بعد از جنگ هم موضوعیت دارد، چنان که اسرائیل به دنبال حفظ فشار حداکثری بر ایران است.

موضع اسرائیل، در تضاد با موضع دولت ایالات متحده و نیز موضع کشورهای ترویکای اروپایی است. آن‌ها به دنبال احیای مذاکرات دیپلماتیک با ایران هستند، اما شرایطی را تحمیل می‌کنند که مقامات ایران در این مقطع نمی‌توانند بپذیرند، از قبیل دست‌کشیدن از حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم در خاکش یا محدودکردن برد موشک‌ها.

از این رو، بدون توافق هسته‌ای، خطر راه‌افتادن دوباره جنگ وجود دارد و این بار ممکن است این جنگ به ورطه جنگی فرسایشی فرو بغلند که فشار اقتصادی را بر اسرائیل افزایش خواهد داد و هر گونه بهبود بالقوه در موضع راهبردی اسرائیل را به خطر خواهد انداخت؛ به‌علاوه، وضعیت فعلی این احتمال را بالا می‌برد که ایران در نهایت تصمیم بگیرد به سمت تسلیحات هسته‌ای حرکت کند تا آینده خود را تضمین کند و درون سیستم، روزبه‌روز افراد بیشتری ادعا می‌کنند که گزینه دیگری وجود ندارد.



Atlantic Council

خطرات شرایط پس از جنگ

پیش و بیش از هر چیز، به گفته مقامات ارشد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران همچنان میزان قابل‌توجهی مواد غنی‌شده ۶۰ درصدی بعد از جنگ دارد و همین‌طور ظرفیت غنی‌سازی نیز، به واسطه سانتریفیوژهایی که در سایت‌های غنی‌سازی در ایران نصب نشده بودند، گستره آسیب به این‌ها، هنوز مشخص نیست؛ در نتیجه، به لحاظ نظری، ایران هنوز می‌تواند بر پایه

دنی (دنيس) سيترينوويچ، کارشناس برنامه خاورمیانه در اندیشکده شورای آتلانتیک است. او همچنین در دانشگاه رایسمن اسرائیل، کارشناس مؤسسه سیاست و راهبرد است. او ۲۵ سال در سمت‌های مختلف، در اطلاعات ارتش اسرائیل مشغول بوده؛ از جمله به عنوان رئیس میز ایران در بخش تحلیل و پژوهش و نیز به عنوان نماینده این بخش در ایالات متحده آمریکا. او چندی پیش، در تحلیلی، به عنوان یک اسرائیل، دستاوردها و نتایج جنگ ۱۲ روزه را برای اسرائیل بررسی کرد و در این بررسی چنین نتیجه گرفت که بهترین راه برای اسرائیل در مقطع کنونی همین است که از توافق هسته‌ای بین ایران و غرب حمایت کند و مشخصاً جنگ دوباره با ایران، گزینه مطلوبی نخواهد بود. مواضع او، البته مواضع یک اسرائیلی است؛ آن هم کسی که سال‌ها در ساختار نظامی، اطلاعاتی و امنیت

اسرائیل مشغول به کار بوده است. بدیهی است که این مواضع و اساساً خاستگاه آن‌ها، مورد تأیید روزنامه هم‌میهن نیست؛ اما در واقع، درست به دلیل همین سابقه است که روایت و نگاه او از وضعیت تنش‌ها بین ایران و اسرائیل، قابل‌توجه می‌شود؛ به‌خصوص وقتی که برخلاف رویکردی که به نظر می‌رسد در ساختار اسرائیل هوادار بیشتری داشته باشد، او معتقد است در شرایط فعلی، اسرائیل باید حامی تعامل طرف‌های غربی با ایران باشد و بلکه حرکتش به سمت درگیری نظامی دوباره با ایران، بیش از سود برایش ضرر به همراه خواهد داشت و مشخصاً ممکن است به روابطش با دیگران نیز آسیب بزند. ترجمه تحلیل این کارشناس اسرائیل را در ادامه می‌خوانید.

بعد از پایان جنگ ۱۲ روزه ماه ژوئن بین ایران با اسرائیل و ایالات متحده، رهبران اسرائیل دستاوردهای جنگ و «پیروزی» مورد ادعا بر تهران را به جشن نشستند. مقامات ارشد امنیت اسرائیل ادعا کردند ایران دیگر کشوری در آستانه تهدید هسته‌ای نیست، نمی‌تواند سلاح هسته‌ای بسازد